

## بررسی تطبیقی ترجمه «أصداء السيرة الذاتية» نجیب محفوظ (با تأکید بر نظریه وینه و داربلنه)

فهیمة آهنگرنژاد

دانش آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی دانشگاه بوعلی سینا Fahimeh.ahangarnezhad@gmail.com

### چکیده

نقد ترجمه و یا ارزیابی کیفیت ترجمه، عمری به اندازه ی خود ترجمه دارد. در واقع از دیرباز، بحث کیفیت و چگونگی ارزشیابی ترجمه ها همیشه محل بحث و نظر جدی بوده است. پژوهش حاضر ضمن در نظر داشتن تئوری ها و نظریه های ترجمه به نقد و بررسی صفحاتی از ترجمه کتاب «أصداء السيرة الذاتية» نجیب محفوظ پرداخته است. در این جستار برخی عبارتها و جملات این ترجمه با اصل عربی آن مقایسه گردیده و از دو منظر ترجمه مستقیم و غیر مستقیم و انواع آنها از نظر وینه و داربلنه مورد مطالعه و بررسی واقع گردیده است. نتایج حاصل نشان می دهد علی رغم اینکه ترجمه ی مترجم از شیوایی و ظرافت خاصی در برخی تعابیر برخوردار است اما ترجمه وی دارای لغزش هایی می باشد که نمی توان از آنها چشم پوشی کرد. لذا در این نوشتار سعی شده ضمن اشاره نمودن به برخی از این لغزش ها، روش های بهتر ترجمه با توجه به اصول و مبانی زبان شناسی و چهارچوب و نظریه های علمی ارائه داده شود.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، وینه و داربلنه، نجیب محفوظ، أصداء السيرة الذاتية.

### ۱- مقدمه

ترجمه از نظر لغوی عبارت است از تغییر یک حالت یا شکل به حالت یا شکل دیگر، برای برگرداندن آن به زبان خود یا دیگری. بر این اساس، ترجمه اساساً تغییر شکل است؛ یعنی شکل زبان مبدأ جای خود را به شکل زبان مقصد می دهد. همچنین ترجمه از نظر اصطلاحی عبارت است از برگرداندن نوشته یا گفته ای از زبانی به زبان دیگر با هدف انتقال معنا. این کار با تغییر زبان مبدأ به شکل زبان مقصد و از طریق ساختار معنایی انجام می شود. آنچه منتقل می شود و باید بماند، معناست و در واقع، تنها شکل تغییر می کند. انتظاری که از مترجم می رود، این است که با کمترین آسیب، معادل مناسب را انتخاب نماید. (طهماسبی، ۱۳۹۳: ۹۸)

ترجمه علی رغم اینکه در نظر برخی به ظاهر کاری آسان می نماید، اما در دیدگاه اهل فن، ارائه ی یک ترجمه ی قابل قبول به ویژه در مورد متون ادبی نه تنها کار ساده ای نیست بلکه بسیار وقت گیر، دشوار و پیچیده است؛ به همین دلیل است که تعداد ترجمه های عالی در متون ادبی بسیار اندکند. از این رو مترجمان مختلف به طور کلی و به ویژه مترجمان متون ادبی برای اینکه از پس این مهم برآیند، لازم است تلاشی روز افزون را وجه همت خود قرار دهند. دکتر یعقوب صروف می گوید: «ترجمه یک کار ساده و پیش پا افتاده نیست بلکه دشوارتر از تألیف است، زیرا مؤلف در انتخاب مفاهیم و معانی و الفاظ و عبارات آزاد و مختار است. اما مترجم اسیر و پای بند است، مقید به مطالب مؤلف که ناچار است آن ها را کاملاً همانطور که هست بیان نماید.» (حسن، ۱۳۷۶: ۲۰)

با توجه به اهمیت و حساسیت ترجمه از گذشته تا به امروز، بحث ارزیابی و نقد هم به تبع آن شاهد رشد و گسترش چشم گیری بوده است. بنابراین با توجه به این مسئله، پژوهش حاضر به نقد و بررسی صفحاتی از ترجمه ی کتاب «أصداء السيرة الذاتية» نجیب محفوظ پرداخته است.

### سؤالات پژوهش

- ۱- منظور از ترجمه مستقیم و غیر مستقیم چیست؟
- ۲- وینه و داربلنه ترجمه ی مستقیم و غیر مستقیم را به چه انوعی دسته بندی نموده اند؟

### ۱-۱- پیشینه پژوهش

در زمینه مطالعات ترجمه تاکنون آثار متعددی کار شده است که از میان آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- مقاله «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه ی کتاب الترجمة و أدواتها» از منصوره زرکوب و عاطفه صدیقی که به بررسی چالش های ترجمه و راهکارهای موجود می پردازد.



۲- مقاله «نگاهی به ترجمه ی داستان نمادین خمارة القط الأسود» از منصوره زرکوب و حسین عباسی که نویسنده در این مقاله به تحلیل و بررسی ترجمه ی داستان مذکور پرداخته است.

۳- مقاله «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرآیند «معادل یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السکرّیه) از عدنان طهماسبی و صدیقه جعفری که به بررسی مقوله ی معادل یابی در یکی از رمان های نجیب محفوظ به نام (السکرّیه) پرداخته است.

اما تاکنون هیچ پژوهش و یا تحقیقی در مجامع علمی و دانشگاهی در خصوص نقد ترجمه ی کتاب «أصداء السیرة الذاتية» نجیب محفوظ صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه ترجمه ی کتاب مذکور با متن عربی آن در چارچوب قاعده ها و نظریه های علمی پرداخته است.

### ۲-۱- نجیب محفوظ

نجیب محفوظ، نویسنده نامدار مصری و تنها مسلمان برنده ی نوبل ادبی (۱۹۸۸)، در ۱۱ دسامبر (۱۹۱۱) در الجمالیة- یکی از محله های الحسین قاهره به دنیا آمد. از نجیب محفوظ بیش از پنجاه کتاب در قالب رمان، داستان بلند، مجموعه داستان های کوتاه، نمایشنامه، مقاله و غیره به چاپ رسیده و کتابهایش به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده است. نجیب محفوظ کتاب «أصداء السیرة الذاتية» را به عنوان زندگینامه خود نگاشت که هیچ شباهتی به زندگینامه های متداول ندارد. سرانجام این نویسنده جهان عرب در ۳۰ اوت سال ۲۰۰۶ در سن ۹۴ سالگی درگذشت. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۷ و ۱۲)

### ۲- ترجمه مستقیم (Direct translation)

#### ۲-۱- قرض گرفتن (Borrowing)

در قرض گرفتن یا وام گیری، واژه خارجی عینا وارد زبان فارسی می شود در واقع می توان گفت عاریه گرفتن کلمه به عین لفظ است. (خزاعی فر، ۱۳۸۵: ۵۰) به عبارت دیگر، در این روش، واژه بدون هیچ گونه تغییر و حتی با تلفظ اصلی خود از زبان خارجی گرفته شده و در زبان فارسی مورد استفاده قرار می گیرد. لذا برای شفافیت بیشتر موضوع مثال هایی از کتاب أصداء السیرة الذاتية استخراج گردیده است.

\* ترتبعان فوق كنبه واحدة (محفوظ، ۲۰۰۷: ۱۰)

ترجمه: کنار هم بر روی مبلی می نشینند (محفوظ، ۱۳۸۹: ۳۳)

در عبارت عربی کلمه (کنبه) از واژه فرانسوی (Canape) قرض گرفته شده و به معنای نیمکت مبلی می باشد. (عمید، ۱۳۵۸: ۸۱۴) در ترجمه فارسی این عبارت نیز واژه (میل) عاریتی و قرضی می باشد، زیرا این کلمه از (meuble) فرانسه گرفته شده و به معنای اثاث خانه است، اما در فارسی (به صندلی دسته دار راحتی) گفته می شود. (نجفی، ۱۳۷۸: ۳۳۵)

\* و یسلی أحلام یقظته بشراء أوراق الیانسب لعل وعسی (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۲)

ترجمه: با خرید بلیت های بخت آزمایی در پی تحقق آرزوهایش بود (محفوظ، ۱۳۸۹: ۴۷)

کلمه (بلیت) در این عبارت، عاریتی می باشد، چرا که این کلمه از واژه (billet) فرانسوی از طریق زبان روسی گرفته شده است. (نجفی، ۱۳۷۸: ۷۴)

\* فی وضح النهار و الحاره تموج بأهلها من النساء و الرجال و الأطفال ، و الدکاکین علی الصفین تستعد لإستقبال الزبائن. (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۴)

ترجمه: روز آغاز شده بود و مغازه ها کم کم کرکره ها را بالا کشیدند و آماده می شدند تا کار خود را شروع کنند. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۲)

کلمه (مغازه) در عبارت بالا از واژه (magasin) فرانسوی گرفته شده است. (عمید، ۱۳۵۸: ۹۷۵)

\* جلس یتناول طعامه فی المطعم الصغیر بهدوء و شهیة (محفوظ، ۲۰۰۷: ۴۶)

ترجمه: آرام و گرسنه در کافه ی کوچکی مشغول غذا خوردن شد. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۷۶)

کلمه (کافه) در عبارت مذکور از واژه (cafe) فرانسوی به عاریت گرفته شده و به معنای قهوه خانه می باشد. (عمید، ۱۳۵۸: ۸۱۲)

\* بدأ الأوتوبیس مسیره من الزيتون فی نفس اللحظة التي فیها سیارة من مسکنه فی حلوان (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۰)

ترجمه: هم زمان با حرکت اتوبوس از میدان «زیتون»، راننده ای از میدان «حلوان» نیز با ماشینش به راه افتاد. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۷)

کلمه (اتوبوس) در عبارت عربی، قرضی می باشد و از واژه فرانسوی (otobis) گرفته شده است. (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۳) در عبارت فارسی نیز کلمه (اتوبوس)

از واژه (Autobus) فرانسوی به عاریت گرفته شده است. (عمید، ۱۳۵۸: ۹۰)

### ۲-۲- ترجمه تحت اللفظی (literal translation)

براساس این روش، مترجم بدون آنکه مجبور باشد تغییرات لغوی یا نحوی در پیام ایجاد کند و یا نیازی به دانش فرازبانی (pragmatic) داشته باشد، برای انتقال پیام، آن را لفظ به لفظ به زبان مقصد برمی گرداند.

(خزاعی فر، ۱۳۷۰: ۲۴)



اینک به ارائه شواهدی از کتاب اصدا السیرة الذاتية می پردازیم.

\* و لكن في لحظة نور رأيت في مرمى الزمن الجميع يهرولون نحو القبر (محفوظ، ۲۰۰۷: ۴۲)

ترجمه: اما در یک لحظه ی نورانی، دروازه ی زمان را دیدم که در آن همه به سوی گورستان می شتافتند. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۷۰)  
ترجمه این عبارت، تحت اللفظی می باشد اما می توان با اعمال یک سری تغییرات در الفاظ و واژه های آن، عبارت را به گونه ای روان تر به خواننده ارائه داد.

ترجمه پیشنهادی: اما در یک لحظه نورانی، برهه ای از زمان را پیش روی خود دیدم که همه در آن به سوی قبرها درشتابند.

\* و قال لي قلبي (محفوظ، ۲۰۰۷: ۵۳)

ترجمه: دلم با من گفت (محفوظ، ۱۳۸۹: ۸۴)

در این عبارت، مترجم از ترجمه مستقیم و لفظ به لفظ استفاده کرده، در صورتی که اگر از ترجمه غیرمستقیم و آزاد استفاده شود ترجمه، روان تر و زیباتر می شود.

ترجمه پیشنهادی: احساسی از درون به من گفت.

\* كان معلمی فترةً طويلةً من العمر (محفوظ، ۲۰۰۷: ۶۵)

ترجمه: برای مدت زیادی از عمرم آموزگارم بود. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۹۸ و ۹۷)

در این عبارت از ترجمه مستقیم و تحت اللفظی استفاده شده، در صورتی که برای ارائه ترجمه ای سلیس و روان نیازمند اعمال تغییراتی در این عبارت می باشیم و این امر مستلزم استفاده از ترجمه غیر مستقیم و آزاد می باشد.

ترجمه پیشنهادی: چند سالی شاگرد ایشان بودم.

\* في وضح النهار و الحارة تموج بأهلها من النساء و الرجال و الأطفال، و الدكاكين على الصفيين تستعد لإستقبال الزبائن (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۴)

ترجمه: روز آغاز شده بود و مغازه ها کم کم کرکره ها را بالا کشیدند و آماده می شدند تا کار خود را شروع کنند. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۲)

در این عبارت، مترجم بدون توجه به الفاظ از روش ترجمه غیر مستقیم و کاملاً آزاد استفاده نموده، در صورتی که می توان با استفاده از روش مستقیم، ترجمه ای روان تر ارائه داد.

ترجمه پیشنهادی: به محض اینکه صبح شد همه ی اهل محل، خرد و کلان، زن و مرد فعالیت و جنب و جوش خود را آغاز کردند و مغازه دارها نیز برای ارائه خدمت به خریداران آماده می شدند.

\* حاولت أن أتذكر ففشلت (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۴)

ترجمه: هرچه به خود فشار آوردم نتوانستم به یاد بیاورم. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۴۹)

در این عبارت از ترجمه غیر مستقیم و آزاد استفاده شده است در صورتی که می توان با استفاده از روش مستقیم، ترجمه ای سلیس تر و شیواتر ارائه نمود.

ترجمه پیشنهادی: سعی کردم به خاطر آورم، اما بی نتیجه بود.

## ۲-۳- گرتة برداری (loantranslation)

گرتة برداری اصطلاحی است معادل (واژه فرانسوی calque یا اصطلاح انگلیسی loantranslation) در گرتة برداری، تک تک اجزای یک کلمه یا عبارت از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه می شود. (خزاعی فر، ۱۳۸۵: ۵۰) مانند این واژه ها که از زبان عربی به زبان فارسی وارد شده اند. (سؤال و جواب) که ما در فارسی آن را به صورت (پرسش و پاسخ) استعمال می کنیم و همچنین واژه (لامبالاة) به صورت (بی توجهی) و واژه (توجهه) را به صورت (روی آوردن) به کار می گیریم.

گرتة برداری معمولاً به دو شکل انجام می گیرد:

الف) گرتة برداری معنایی: در این نوع گرتة برداری، یکی از معانی واژه یا تعبیر بیگانه را معادل همه معنای آن به کار می برند. (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۴۲)  
مانند:

\* و قال الصديق الحكيم: ليست أول من كابد الهجران (محفوظ، ۲۰۰۷: ۱۲)

ترجمه: دوست دانشمندم گفت: تو نخستین کسی نیستی که آتش هجران را تجربه می کند. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۳۵)

فعل (toexperience) در زبان انگلیسی به چند معنی است که یکی از آنها معادل (تجربه کردن) در فارسی است در واقع یعنی (چند و چون چیزی را آزمایش کردن و بر صحت آن یقین کردن) اخیراً در بسیاری از نوشته ها بر اثر گرتة برداری معنایی از این واژه انگلیسی، تجربه کردن را به معنایی که در فارسی متداول نبوده است به کار می برند. (نجفی، ۱۳۷۸: ۱۰۱) مانند آنچه که در ترجمه مذکور شاهد آن هستیم. در واقع می توان گفت که گرتة برداری معنایی از واژه تجربه کردن انگلیسی برای این عبارت فارسی، شایسته نیست به جای (تجربه کردن هجران) می توان از معادل بهتر و



صحیح تر) تحمل کردن درد هجران) استفاده نمود؛ چرا که مقصود از این عبارت این نیست که کسی هجران و فراق را آزمایش کند و صحت و سقم آن را بسنجد بلکه مقصود تحمل درد هجران و فراق می باشد.

\* النقل الان ضاربی و بأسرتی (محمفوظ، ۲۰۰۷: ۷)

ترجمه: انتقالم در شرایط فعلی برای من و خانواده ام سخت است. (محمفوظ، ۱۳۸۹: ۲۹)

در ترجمه عبارت مذکور از واژه (شرایط) استفاده شده است. این کلمه در اصل از واژه (condition) در زبان های فرانسه و انگلیسی گرفته شده است که امروزه معادل آن در فارسی (اوضاع و احوال) است. (نجفی، ۱۳۷۸: ۲۴۲)

بنابراین، با توجه به آنچه گفته شد می توان دریافت که مترجم به تحول معنایی که این واژه در فارسی پیدا کرده، توجهی ننموده است. اما اگر به جای (در شرایط فعلی) از معادل (در این اوضاع و احوال) استفاده شود، بهتر است.

ب) گرتة برداری نحوی: در این نوع گرتة برداری، ساخت های نحوی زبان مبدأ، عینا و یا با اندکی تغییر، وارد زبان مقصد می شود. از جمله ساختارهای نحوی که بر اثر نفوذ زیاد آن، به نثر فارسی راه یافته، میتوان به ترجمه نمودن حروف اضافه به همان شکلی که در زبان مبدأ رایج بوده اشاره کرد.

(we blog themes by Iranskin)

\* علی شاطی (محمفوظ، ۲۰۰۷: ۴۹)

ترجمه: بر ساحل (محمفوظ، ۱۳۸۹: ۷۹)

در این مثال، حرف اضافه (علی) در فارسی به صورت (بر) ترجمه شده است در حالی که این نوع گرتة برداری از حروف اضافه عربی در ترجمه فارسی شایسته نمی باشد به جای آن می توان از حرف (در) استفاده کرد.

### ۳- ترجمه غیر مستقیم (oblique translation)

#### ۳-۱- تغییر صورت (transposition)

تغییر صورت یعنی جایگزینی کلمه ای متعلق به یک مقوله دستوری با کلمه ای متعلق به مقوله دستوری متفاوت. (خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۶)

برای شفافیت بیشتر بحث تغییر صورت در ترجمه، مثال هایی از کتاب أصداء السیرة الذاتية استخراج گردیده است.

\* فقال بنبرة اعتراف (محمفوظ، ۲۰۰۷: ۲۴)

ترجمه: اعتراف کرد و گفت. (محمفوظ، ۱۳۸۹: ۵۰)

در جمله مذکور، (بنبرة اعتراف: جارو مجرور و مضاف الیه) به صورت فعل (اعتراف کرد) تغییر پیدا کرده اما این تغییر، تأثیری در زیبایی و روان تر شدن جمله نداشته است. به عبارت دیگر، تغییر شایسته و به جایی نمی باشد.

ترجمه پیشنهادی: با لحنی اعتراف آمیز گفت

\* و لما صحت وجدت العلبة علی الوسادة (محمفوظ، ۲۰۰۷: ۴۴)

ترجمه: پس از بیدار شدن، جعبه ای را روی بالش خود دیدم. (محمفوظ، ۱۳۸۹: ۷۳)

جمله فعلیه (صحت) در ترجمه فارسی به صورت مصدر (بیدار شدن) تغییر پیدا کرده است اما این تغییر شایسته ای نیست.

ترجمه پیشنهادی: زمانی که بیدار شدم، جعبه ای را روی بالش دیدم.

\* لابد من إنجاز المهمة (محمفوظ، ۲۰۰۷: ۴۰)

ترجمه: باید مأموریت را به پایان برد. (محمفوظ، ۱۳۸۹: ۶۸)

در این عبارت، مصدر عربی (إنجاز) در فارسی به صورت فعل (به پایان برد) تغییر پیدا کرده، اما نیازی به ایجاد این تغییر در ترجمه نمی باشد؛ چرا که بدون تغییر هم می توان جمله ای سلیس و روان به خواننده القا کرد.

ترجمه پیشنهادی: چاره ای جز انجام مأموریت نیست.

\* فی ذلك التاريخ كنت معذبا في مقام الحيرة (محمفوظ، ۲۰۰۷: ۲۹)

ترجمه: در آن زمان، حیرت و سردرگمی، مرا آزار می داد. (محمفوظ، ۱۳۸۹: ۵۶)

در این عبارت، مترجم از شیوه ترجمه غیر مستقیم (تغییر صورت) بهره جسته، و جمله اسمیه (كنت معذبا) را به صورت فعل (آزار می داد) تغییر داده است، در حالی که می توانست بدون این تغییر هم جمله ای سلیس و روان ارائه دهد.

ترجمه پیشنهادی: در آن زمان، حیرت و سردرگمی، برایم آزار دهنده بود.



\* قال أبی متنهدا (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۶)

ترجمه: پدر آهی کشید و گفت (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۴)

در این عبارت، اسم عربی (متنهدا) در فارسی به فعل (آهی کشید) تبدیل شده است و این تغییر، تغییر شایسته ای می باشد.

۳-۲- تغییر بیان (modulation)

تغییر بیان یعنی تغییر صورت پیام به دلیل تغییر در نقطه دید. (خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۶)

حال، به ارائه شواهدی از کتاب اصداء السیره الذاتیه می پردازیم.

\* بلا الرجل الحیاء بخلوها و مرها (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۱)

ترجمه: عبدالله فراز و نشیب زندگی را از سر گذرانند. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۴۶)

مترجم در عبارت (بلا الحیاء بخلوها و مرها: تلخ و شیرین زندگی را چشید) تغییر در بیان ایجاد نموده و آن را به صورتی که ملاحظه نمودیم ارائه کرده است. در واقع، با این کار صرفاً به معنا بدون در نظر گرفتن لفظ توجه داشته است.

\* قرأت هواجسه (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۴)

ترجمه: نگرانی او را از نگاهش فهمیدم. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۰)

در این عبارت، مترجم در جمله (قرأت) از تغییر بیان در ترجمه غیر مستقیم استفاده نموده و آن را به صورت (فهمیدم) استعمال کرده است، در حالی که می توانست از شیوه ترجمه مستقیم در ترجمه این جمله استفاده نماید. و آن را به صورت (خواندم) بیان کند.

ترجمه پیشنهادی: دل نگرانی های او را از نگاهش خواندم.

\* هذا المطر مقلب ما بعده مقلب (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۸)

ترجمه: این باران همه چیز را خواهد شست. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۴)

در این عبارت، همان طور که ملاحظه می شود مترجم از روش تغییر بیان در ترجمه غیر مستقیم استفاده کرده است، یعنی بدون در نظر گرفتن لفظ صرفاً به معنا توجه داشته است اما می توانست جمله بهتری ارائه دهد.

ترجمه پیشنهادی: این باران به همه چیز رنگ تحول و تازگی می بخشد.

\* خاصمت کل شیء نفسها و العالم من حولها (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۶)

ترجمه: پس از آن حادثه نسبت به همه چیز و حتی خودش بی اعتنا شد. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۱)

در جمله (خاصمت: دشمنی داشت) تغییر بیان صورت گرفته و به صورت (بی اعتنا شد) ذکر شده است، در حالی که می توان بدون استفاده از تغییر بیان از ترجمه مستقیم در این جمله بهره جست.

ترجمه پیشنهادی: پس از آن حادثه با همه چیز و همه کس حتی خودش سر دشمنی داشت.

\* ألا تقیم ست سامیه هنا؟ (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۷)

ترجمه: منزل سامیه خانم؟ (محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۳)

در این عبارت، مترجم به لفظ توجهی نداشته و منظور نویسنده را با بیانی کاملاً متفاوت به خواننده ارائه نموده، در واقع، فقط به معنا بدون در نظر گرفتن لفظ توجه داشته است.

ترجمه پیشنهادی: سامیه خانم ساکن اینجا هستند؟

۳-۳- معادل یابی (equivalence)

معادل یابی یعنی ایجاد تأثیری مشابه متن اصلی با استفاده از کلمات و بیانی کاملاً متفاوت. (خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۶) این شیوه بیشتر در مورد اصطلاحات به کار گرفته می شود. اینک برای شفافیت بیشتر موضوع به ذکر مثال هایی می پردازیم.

\* أجبرتني ظروف الحیاء یوما لأكون قاطع طریق (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۹)

ترجمه: زندگی چنان سخت بود که راهزنی را برای ادامه ی زندگی برگزیدم. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۷)

(قاطع طریق: قطع کننده راه) به صورت (راهزن) معادل گزینی شده است.

\* قلبی حدثنی بأنه سیرحل عن دنیانا قبل طلوع الشمس! (محفوظ، ۲۰۰۷: ۶۴)

ترجمه: به من الهام شد که او پیش از طلوع آفتاب از دنیا خواهد رفت. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۹۶)

عبارت (قلبی حدثنی: قلبم با من سخن گفت) به صورت (به من الهام شد) معادل گذاری شده است.

\* و ذاب المتسوقون فی السوق (محفوظ، ۲۰۰۷: ۵۴)

ترجمه: کم کم بازار خلوت شد. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۸۵)



عبارت(ذاب المتسوقون فی السوق: بازاریان در بازار محو شدند) به صورت (کم کم بازار خلوت شد) معادل گزینی شده است.

\* رکبی الرعب(محفوظ، ۲۰۰۷: ۶۱)

ترجمه: ترسیدم.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۹۳)

جمله(رکبني الرعب: ترس مرا سوار کرد) به صورت(ترسیدم) معادل گذاری شده است.

\* و لكن اليأس لم يعرف سبيله الى قلبی(محفوظ، ۲۰۰۷: ۴۴)

ترجمه: اما با وجود این، ناامید نخواهم شد.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۷۳)

اگر بخوایم این عبارت را تحت اللفظی ترجمه کنیم، این گونه می شود(اما ناامیدی راهی به قلب من نمی شناسد) که مترجم بسیار شایسته و زیبا این عبارت را به صورت(اما با وجود این، ناامید نخواهم شد) معادل گزینی کرده است.

\* لأحب أن أثقل عليك(محفوظ، ۲۰۰۷: ۴۵)

ترجمه: نمی خواستم مزاحم شما شوم.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۷۴)

مترجم، این عبارت را بسیار دقیق و زیبا معادل گذاری کرده است، چرا که در جمله(أن أثقل عليك) به جای اینکه بگوید(نمی خواستم بر شما سنگینی کنم) از معادل(نمی خواستم مزاحم شما شوم) استفاده نموده است.

\* لم أر حركة تدب في شفتيه(محفوظ، ۲۰۰۷: ۵۰)

ترجمه: اما او هیچ حرفی نمی زد.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۸۰)

عبارت فوق، بسیار دقیق و زیبا معادل گزینی شده است، چرا که به جای اینکه گفته شود(ندیدم هیچ حرکتی بر لب هایش وارد شود) از معادل مذکور استفاده شده است.

\* و كان رجل يمر فأنحصر بين السيارتين، و سقط فاقد الحياة (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۰)

ترجمه: از قضا در آن لحظه مردی می گذشت، که در میان هر دو ماشین گیر افتاد و کشته شد.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۷)

عبارت(سقط فاقد الحياة: بدون زندگی افتاد) به صورت(کشته شد) معادل گزینی شده است و با این معادل گذاری ابهام جمله کاملا برطرف شده است.

\* هل يداخلك شك في عقلي؟(محفوظ، ۲۰۰۷: ۱۶)

ترجمه: مگر شما به سلامتی روحی- روانی من شک دارید؟(محفوظ، ۱۳۸۹: ۳۹)

جمله(یداخلك شك: وارد شدن شک) به صورت(شک داشتن) معادل گزینی شده است.

\* فجأة تجاوزت ترددی القديم(محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۲)

ترجمه: به ناگاه تردیدهای گذشته را کنار نهادم.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۹)

در این عبارت، بسیار دقیق و زیبا به جای(عبور کردن از تردیدها) از معادل(کنار گذاشتن تردیدها) استفاده شده است.

\* تبادلنا نظرات الأسي(محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۶)

ترجمه: ما با تأسف به هم نگریم.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۴)

در این عبارت با ظرافت خاصی(تبادل النظرات: رد و بدل کردن نگاه ها) به صورت (نگریستن به هم) تعبیر و معادل سازی شده است.

### ۳-۴- همانند سازی(adaptation)

همانند سازی یعنی جایگزینی کلمه و مفهومی از متن اصلی که در فرهنگ مقصد وجود ندارد یا معنای دیگری به ذهن متبادر می کند با کلمه و

مفهومی مشابه آن در ترجمه که برای خواننده آشناست.(خزاعی فر، ۱۳۷۷: ۶)

اینک به ذکر مثال هایی از کتاب أصداء السيرة الذاتية می پردازیم.

\* فی یدی ملیم(محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۴)

ترجمه: یک ملیم در دست داشتم.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۴۹)

در این عبارت، لازم بود مترجم از روش همانند سازی در ترجمه غیر مستقیم استفاده می کرد و(ملیم) واحد پول در زبان مبدأ را به(ریال) واحد پول در زبان مقصد تغییر می داد.

\* عرفت فی بیتنا بأم البیه(محفوظ، ۲۰۰۷: ۸)

ترجمه: در خانه ما به «مامان پاشا» معروف بود.(محفوظ، ۱۳۸۹: ۳۰)

در این عبارت، نیازی به همانند سازی واژه(أم) در(أم البیه) نیست، زیرا این اصطلاح به همان صورت که در زبان عربی رایج است در فارسی نیز به کار گرفته می شود اما مترجم به اشتباه سعی کرده این واژه را با زبان فارسی هماهنگ نماید. لذا تعبیر درست این واژه در فارسی(أم پاشا) می باشد.



- \* ارتعب الرجل بشده شارفت به الموت (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۹)  
ترجمه: نزدیک بود آن مرد از شدت ترس سخته کند. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۷)  
مترجم، با هدف ایجاد هماهنگی بین دو زبان، جمله (شارفت به الموت: نزدیک بود بمیرد) را به صورت (نزدیک بود سخته کند) مطرح کرده است، در صورتی که استفاده از روش همانند سازی در اینجا کاربردی ندارد.
- \* و بلغت بأسرتک بر الأمان (محفوظ، ۲۰۰۷: ۲۴)  
ترجمه: خانواده ات را به ساحل نجات رساندی. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۵۰)  
در این عبارت (بر الأمان: خشکی امنیت) به صورت (ساحل نجات) تعبیر شده است، زیرا در زبان فارسی (ساحل نجات) مرسوم و رایج است نه (بیابان و خشکی امنیت) بنابراین با این تغییر، هماهنگ سازی فرهنگی بین دو زبان صورت گرفته است.
- \* و غضب الأبله غضبا کدما (عضوا) (محفوظ، ۲۰۰۷: ۳۵)  
ترجمه: مرد ابله از شدت خشم، دندان هایش را به هم فشرد. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۲)  
واژه کدما (عضوا) که در این عبارت ذکر شده به معنی گاز گرفتن (با دندان های پیشین) می باشد، لذا لازم است این معنا را با زبان فارسی هماهنگ کنیم، زیرا در زبان فارسی نمی گوئیم (از شدت خشم با دندان هایش گاز می گرفت) بلکه این طور گفته می شود که (از شدت خشم دندان هایش را به هم می فشرد) بنابراین با این تغییر، هماهنگی فرهنگی بین دو زبان صورت گرفته است.
- \* أکرکم الله (محفوظ، ۲۰۰۷: ۴۰)  
ترجمه: خدا خیرتان دهد. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۶۹)  
عبارت (خدا شما را گرامی بدارد) به صورت (خدا خیرتان دهد) تغییر پیدا کرده است، و با این تغییر، هماهنگی بین دو زبان مبدأ و مقصد صورت خواهد پذیرفت.
- \* فأحییہ بوجد، و لکنه یرد علی بفتور (محفوظ، ۲۰۰۷: ۵۸)  
ترجمه: با او به گرمی سلام می کنم، اما او به سردی پاسخ می گوید. (محفوظ، ۱۳۸۹: ۸۹)  
در زبان فارسی، اصطلاح (به گرمی سلام کردن و به سردی پاسخ دادن) رایج و مرسوم است، در حالی که در عبارت عربی به صورت (با شور و شوق سلام کردن و با سستی پاسخ دادن) آمده است. بنابراین در ترجمه این عبارت، نیازمند هماهنگی بین دو زبان می باشیم، و این مهم در ترجمه مذکور صورت پذیرفته است.

### نتیجه گیری

در پایان می توان گفت هر چند ترجمه نویسنده مذکور از شیوایی و روانی در برخی تعابیر و واژگان برخوردار است اما ترجمه ایشان دارای اشتباهاتی اساسی و کلیدی می باشد که باید در جهت رفع آنها اهتمام ورزید. از جمله این اشتباهات می توان به حذف و اضافه های نا به جا، تعدیل و تغییرهای نا به جا و ناصحیح، عدم توجه به معانی ارجاعی واژگان و یا ترجمه واژه بدون در نظر گرفتن بافت و سیاق متن و غیره اشاره کرد و این لغزش ها می تواند خواننده را از فهم منظور و مقصود اصلی نویسنده به کلی دور نماید. دیگر اینکه کسانی که می خواهند به نقد آثار مکتوب بپردازند باید بر اساس چهارچوب و نظریه های علمی به این مهم بپردازند نه اینکه بر اساس سلیق و نظرات شخصی در این زمینه اقدام کنند. بنابراین می توان گفت نقد در هر زمینه ای به خصوص در زمینه ی ترجمه در صورتی می تواند مفید و کارساز واقع شود که بر اساس تئوری ها و نظریه های علمی انجام شود. در این جستار، با توجه به مجال اندکی که در اختیار بود، تلاش شد با تکیه بر برخی نظریه های ترجمه و کاربردی کردن آنها از طریق توضیح و ارائه مثال های عینی، گامی در جهت روشن تر ساختن شیوه های ترجمه به شکل علمی و روشمند برداشته شود. لذا امید داریم با گسترش دامنه ی رویکرد نقدی در زمینه ی کتب و آثار منتشر شده بتوانیم سطح این آثار را به لحاظ کیفی ارتقا بخشیم.

### منابع و مآخذ

- ۱- آذرنوش، آذرتاش. فرهنگ معاصر (عربی به فارسی). چاپ پانزدهم. تهران: نشر نی (۱۳۹۱).
- ۲- حسن، محمد عبدالغنی. «فن ترجمه در ادبیات عربی» مترجم: عباس عرب. چاپ اول. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی (۱۳۷۶).
- ۳- خزاعی فر، علی. «تغییر بیان در ترجمه» فصلنامه مترجم. شماره ۲۷. سال هفتم. پاییز و زمستان (۱۳۷۷) صص ۵ و ۶. (۱۳۷۷).
- ۴- زرکوب، منصوره و صدیقی، عاطفه. تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه ی کتاب الترحمه و آدواتها. پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال سوم. شماره ۸. پاییز ۱۳۹۲. (۱۳۹۲).



- ۵- زرکوب، منصوره و عباسی، حسین. نگاهی به ترجمه ی داستان نمادین «خماره القط الأسود». پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال سوم. شماره ۶. بهار ۱۳۹۲. (۱۳۹۲).
- ۶- طهماسبی، عدنان و جعفری، صدیقه. جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرآیند «معادل یابی معنوی» (بررسی موردی رمان السکرّیه). پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی. سال چهارم. شماره ۱۶. بهار و تابستان ۱۳۹۳. (۱۳۹۳).
- ۷- عمید، حسن. فرهنگ (فارسی به فارسی). چاپ سیزدهم. تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر. (۱۳۵۸).
- ۸- محفوظ، نجیب. أصداء السیرة الذاتية. الطبعة الثانية. القاهرة: دارالشروق. (۲۰۰۷).
- ۹- زمزمه های واپسین. مترجم: ناجی مولایی. چاپ دوم. تهران: نسل آفتاب. (۱۳۸۹).
- ۱۰- نجفی، ابوالحسن. غلط نویسیم (فرهنگ دشواری های زبان فارسی). چاپ نهم. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. (۱۳۷۸).

) Amoozeshe Arabic.blogfa.com ۱۱- (

) We blog themes By Iran skin ۱۲- (

## Comparative study of the translation of "asdae al syrat al zatyat" by Najib Mahfouz (With an emphasis on the theory of vine and darbeleneh)

Fahimeh ahangarnezhad

Knowledge Master Translating Arabic Bu-Ali Sina University

### Abstract

Translation criticism or translation quality assessment is life-long translation. In fact, the discussion of quality and how to evaluate translations has long been a serious discussion. The present research, while considering theories and theories of translation, has criticized the pages of the translation of the book " asdae al syrat al zatyat " by Najib Mahfouz. In this research, some of the terms and sentences of this translation have been compared with the Arabic one, and from two perspectives, direct and indirect translation, and their variants have been studied in terms of the vine and the field. The results show that, despite the fact that the interpreter has a certain degree of elegance in some interpretations, his translation has slips which can not be ignored. Therefore, in this article, while attempting to refer to some of these landlides, better translation methods are presented according to the principles of linguistics and the framework and scientific theories.

Key words: Critique of Translation, Vine and darbeleneh, Najib Mahfouz, asdae al syrat al zatyat.